

شناسایی عوامل فردی و محیطی موثر بر موفقیت کارآفرینان برتر استان تهران جهت ارایه الگوی آموزشی

ناهید رازقندی* - کمال درانی

۱. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه تهران

۲. دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۳/۵، تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۹/۱۵)

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی مهم‌ترین عوامل فردی و محیطی موثر بر موفقیت کارآفرینان برتر استان تهران، برای ارایه الگوی آموزشی است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه (۸۰ نفر) کارآفرینان برتر برگزیده شده در دومین جشنواره کارآفرینان برتر سال ۱۳۸۵ استان تهران هستند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده و با انجام محاسبه‌ها، حجم نمونه ۶۶ نفر به دست آمد. اطلاعات لازم از طریق سه پرسش‌نامه‌ی عوامل فردی، عوامل محیطی و موفقیت، جمع‌آوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده و روش‌های آماری ماتریس هم‌بستگی، رگرسیون چندگانه و آزمون T تک نمونه‌ای به کار رفته است.

نتایج به دست آمده نشان داد که:

(۱) بین موفقیت و مرکز کنترل درونی، خطرپذیری حساب شده، خلاقیت، توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی و اراده رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. (۲) بین موفقیت و شرایط آموزشی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد، در حالی که بین شرایط سیاسی و موفقیت رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. (۳) در عوامل فردی مرکز کنترل درونی، خطرپذیری حساب شده، خلاقیت، استقلال‌طلبی و توفیق‌طلبی توانایی پیش‌بینی و شناسایی موفقیت را دارند. (۴) در عوامل محیطی تنها شرایط آموزشی توانایی پیش‌بینی و شناسایی موفقیت را دارد. (۵) کارآفرینان برتر استان تهران ویژگی‌های مرکز کنترل درونی، خطرپذیری حساب شده، خلاقیت، توفیق‌طلبی و اراده را در سطحی بالاتر از میانگین دارا هستند. (۶) از نظر کارآفرینان برتر استان تهران شرایط آموزشی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی در حد متوسط بر موفقیت آن‌ها تاثیرگذار بوده است.

واژه‌های کلیدی: عوامل فردی، عوامل محیطی، موفقیت، کارآفرینان برتر

مقدمه

در دنیای در حال تحول و پیشرفت امروز که زندگی را خواسته یا ناخواسته تحت تاثیر قرار می‌دهد، کام‌یابی برای جوامعی است که از نیروی ماهر و متخصص، خلاق و خودباور برخوردار باشند، چرا که اکنون در عرصه‌ی جهانی افراد خلاق و مبتکر به‌عنوان کارآفرینان، منشا تحول‌های بزرگی در زمینه‌ی صنعتی، تربیتی و خدماتی شده‌اند. زیرا کارآفرین کسی است که "در نوآوری پیش‌قدم بوده و فرایندهای جدیدی را ایجاد کرده، مشاغل نو به‌وجود می‌آورد و صنعت جدیدی را سازمان می‌دهد (Candida, 2007, P. 21). راین معتقد است کارآفرینان موفق از طریق سازگاری راهبردهای کارآفرینانه‌ی خود با قابلیت‌های سطح بالای جامعه می‌توانند گام‌های بلندتر و استوارتری را برای بهبود اوضاع اقتصادی جامعه بردارند.

بیان مساله

کارآفرینان برای دست‌یابی به موفقیت پیوسته در تلاش برای تبدیل رویاها و ایده‌های خلاقانه‌ی خود به حقیقت هستند. اما در این میان کارآفرینی موفق، بیش از آن که یک فعالیت اقتصادی باشد، نوعی هنر بوده و این در حالی است که تعریف این فعالیت هنری براساس روش‌های موجود یا اثرهای محیطی کار، بسیار دشوار بوده و عنصر اصلی این معضل، ریشه در شرایط ناملموس کارآفرینی موفق دارد (Sarah & Alistair, 1999, p. 115).

اما آنچه که مسلم است این که برای موفقیت، فرد باید صفت‌ها و مهارت‌های فردی مختلفی را دارا باشد. اما چنانچه تمامی شرایط و عوامل فردی هم مساعد باشد، موفقیت حاصل نخواهد شد مگر آن که عوامل محیطی به شکل مطلوبی فراهم شوند (مقیمی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳). به همین دلیل در تربیت افراد کارآفرین و به‌ویژه هدایت آن‌ها به سمت و سوی موفقیت دو گروه از عوامل مد نظر قرار می‌گیرند: یکی رویکردها، ویژگی‌ها و رفتار کارآفرینانه‌ی فرد و دیگری عواملی که محیط را برای فعالیت کارآفرینانه مساعد

می‌کند. در عامل اول (دیدگاه روان‌شناختی) ویژگی‌های کارآفرینان را برای فرد بیان کرده و راه‌های کسب این توان‌مندی‌ها و ویژگی‌ها را به او نشان می‌دهند تا فرد با کسب توانایی‌های فردی دست به فعالیت‌های کارآفرینانه بزند. اما عامل دوم (دیدگاه جامعه‌شناختی) محیط را متناسب با فعالیت کارآفرین تنظیم کرده و با انواع تسهیلات، حمایت‌ها و تشویق‌ها جامعه را برای فعالیت افراد خلاق و کارآفرین مهیا می‌کند (سعیدی کیا، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳). شناخت این ویژگی‌ها و شرایط و ارایه‌ی آن‌ها در یک فرایند آموزشی به‌طور قابل ملاحظه‌ای تمایل کارآفرینانه‌ی فراگیران را تغییر داده (Einar & Roger, 2005, P. 188)، امکان خوداشتغالی آن‌ها را بیش‌تر کرده (Giseung, 2006, P. 407)، اطمینانی برای افرادی که قصد شروع کسب‌وکار را دارند فراهم می‌کند (Vangelis, Stefania & Andreas, 2006, p. 256) و در نهایت احتمال موفقیت کارآفرینانه‌ی آن‌ها را افزایش می‌دهد (Elisa, Dan & Mike, 2002, P. 780). اما به‌رغم مشهود بودن این مساله که کارآفرینان ضرورتاً کارآفرین متولد نمی‌شوند، بلکه کارآفرینی و به‌دنبال آن موفقیت در این مسیر را باید از طریق فعالیت‌های مدون و مناسب آموزش داد، آموزش در این زمینه هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار دارد. در واقع بزرگ‌ترین چالش کارآفرینی در ارتباط با آموزش و یادگیری آن، وجود نداشتن الگوهای یادگیری کارآفرینی و شناخت عوامل موفقیت‌زای آن در جهان خارج است. بازبینی برنامه‌ها و دوره‌های آموزش کارآفرینی نشان داده که هماهنگی کم و تنوع قابل توجهی درباره‌ی اهداف، فلسفه، محتوا، فن آموزش و نتایج در این زمینه وجود دارد (Einar & Roger, 2005, P. 190). به اعتقاد سکستون و باومن (۱۹۸۴)، هیلز (۱۹۸۸)، مک مولان و لانگ (۱۹۸۳) و وسپر (۱۹۸۲) نیز در زمینه‌ی آموزش‌های کارآفرینی کمبودی در نظریه‌ها و الگوهای موجود وجود دارد، که در واقع علت اصلی این کمبودها نبود یک چارچوب تحقیقی خوب و توسعه نیافتن دانش در این زمینه بوده (Gul & Sarah, 2004, P. 200) و این پژوهش با هدف پر کردن این شکاف انجام شده است.

پیشینه‌ی تحقیق

کومیوز (۱۹۷۲) پژوهشی روی ۲۰ کارآفرین موفق در صنایع با فناوری بالا انجام داد و پی برد که آن‌ها دارای احساس توفیق‌طلبی بالایی هستند (Brokhaus, 1982, p. 505). مطالعه‌های طولی آندریسانی و نستیل (۱۹۷۲) در موضوع جابه‌جایی شغلی کارآفرینان نشان داد آن‌هایی که مرکز کنترل درونی داشتند موفقیت شغلی بالاتری را نیز به همراه داشته‌اند. هورنادی و بانکر (۱۹۸۰) پژوهشی در مورد ویژگی‌های کارآفرینان انجام داده و کارآفرین موفق را فردی می‌دانند که شروع به فعالیتی کرده که قبلاً وجود نداشته و آن را به مدت ۵ سال تا زمان ارایه‌ی ساختار سودآور هدایت کرده است. آن‌ها تحقیق خود را روی ۲۰ نفر از کارآفرینان منطقه‌ی بوستون که موفق به تاسیس شرکت شده بودند انجام داده و عنوان کردند که این افراد دارای ویژگی‌های توفیق‌طلبی، مرکز کنترل درونی، خطرپذیری، تحمل ابهام و خلاقیت هستند، آن‌ها هم‌چنین بیان کردند که با تقویت این ویژگی‌ها در افراد می‌توان زمینه‌های پرورش کارآفرینی را در آن‌ها فراهم کرد (همان، ص ۵۱۵). مینزبرگ و وارترز در تحقیق خود تحت عنوان "راهبردهای پی‌گیری در موسسه‌های کارآفرینانه" دریافتند که خطرپذیری کنترل شده به‌عنوان یک ویژگی کلیدی برای کارآفرینان موفق مطرح است. تحمل ابهام نیز به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کارآفرینان موفق شناسایی شد (Mintzberg & Waters, 1982, p. 135).

برونو و تابیچی در پژوهش "محیطی برای کارآفرینی" متغیرهای محیطی موثر در کارآفرینی را بدین شرح استخراج کرده‌اند: فراهم بودن سرمایه‌ی خطرپذیر، حضور کارآفرینان با تجربه، نیروی کار ماهر و متخصص، قابلیت دسترسی به خریداران، قابلیت دسترسی به بازار جدید، نزدیکی به دانشگاه‌ها و مراکز علمی، وجود زمین و تاسیسات مناسب، دسترسی به امکانات حمل و نقل، شرایط مساعد زیستی و معیشتی (Bruno & Tyebjee, 1982, p. 204). مک‌کلند (۱۹۸۷) تحقیقی با عنوان "ویژگی‌های کارآفرینان موفق" انجام داد و به این نتیجه رسید افرادی که نیاز به موفقیت در آن‌ها در سطح بالاتری قرار دارد، در تجارت و هم‌چنین بهره‌گیری از آموزش‌های تجاری شانس موفقیت بیش‌تری دارند (McClelland, 1987, p. 89). میلر و همکاران (۱۹۸۶)، لورین

و همکاران (۱۹۸۸)، کرتنر و همکاران (۱۹۹۰) در پژوهش‌های جداگانه که به مقایسه‌ی کارآفرینان موفق و ناموفق پرداختند، دریافته‌اند که بین مرکز کنترل درونی و موفقیت در کارآفرینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد (روچ و فرسه، به نقل از موسوی بازرگانی، ۱۳۸۶، ص ۷۶). اسپنسر (۱۹۹۳) ضمن مطالعه بر روی یک نمونه‌ی ۲۴ نفری از کارآفرینان موفق و ناموفق دریافته‌اند که بین توفیق‌طلبی و موفقیت در کارآفرینی رابطه‌ی مثبتی وجود دارد. گوبل (۱۹۹۹) در مطالعه‌ی خود که بر روی کارآفرینان موفق و ناموفق انجام داد، بیان کرد که بین خطرپذیری و موفقیت در کارآفرینی رابطه‌ی مثبتی وجود دارد. روچ و فرسه (۲۰۰۰) تحقیق خود را بر روی نمونه‌ای ۷۱ نفری از کارآفرینان موفق و ناموفق انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که بین توفیق‌طلبی و موفقیت در کارآفرینی رابطه‌ی مثبتی وجود دارد (همان، ص ۲۲). هان لیتونن تحقیقی با موضوع "کارآفرینی و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان" انجام داد. وی از طریق مصاحبه با کارآفرینانی که در صنعت فلزها فعالیت می‌کردند، بیان کرد که ویژگی‌های یک کارآفرین موفق عبارت است از: توانایی خطرپذیری، نوآوری، دانستن نحوه‌ی فعالیت در بازار، تخصص در تولید، مهارت‌های مدیریت کسب و کار و توانایی همکاری با دیگران (Hannu Littunen, 2000, pp. 302-303). مارکمن و بارون پژوهشی با عنوان "چرا بعضی مردم کارآفرینان موفق‌تری نسبت به بقیه هستند" انجام دادند. آن‌ها دریافته‌اند کارآفرینانی که دارای سطوح بالاتری از خودکارآمدی، توانایی شناخت فرصت‌ها، اراده‌ی شخصی، حقوق فردی و اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی رده بالا هستند، نسبت به بقیه موفق‌تر خواهند شد (Gideon & Robert, 2003, p. 111). استرنبرگ در مطالعه‌ی خود با موضوع "هوش موفق پایه‌ای برای کارآفرینی"، تلفیق جنبه‌های هوش خلاق، هوش عملی و هوش تحلیلی را (در مجموع هوش موفق نامیده می‌شوند) برای موفقیت در کارآفرینی ضروری می‌داند (Sternberg, 2004, pp. 190-191).

احمدپور داریانی (۱۳۷۷) پژوهش خود را با عنوان "طراحی و تبیین الگوی پرورش مدیران کارآفرین در صنعت" روی ۲۵۰ مدیر عامل موفق و با هدف شناسایی ویژگی‌های مدیران کارآفرین موفق انجام داد. نتایج حاکی از این است که در بُعد

عوامل فردی نیاز به توفیق، استقلال‌طلبی، مخاطره‌پذیری و خلاقیت در این افراد وجود دارد. در عوامل محیطی، سیاست‌های دولت، وجود کمک‌های مالی و غیرمالی، رقابت، پویایی و هم‌گونی در موفقیت این افراد موثر بوده است (احمدپور داریسانی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۹). موسی‌خانی (۱۳۷۷) تحقیقی با موضوع "تبیین الگوی مدیریت موفق در شرکت‌های صنعتی ایران" روی ۲۵۰ نفر از مدیران موفق انجام داده است، الگوی پیشنهادی وی از ۱۰ مولفه‌ی: اهداف و راهبرد، ویژگی‌های فردی (قاطعیت، صداقت، پشتکار، ابتکار، خلاقیت، انعطاف‌پذیری، ایثار، توفیق‌طلبی، خطرپذیری، بلندنظری، خوش‌بینی و انتقادپذیری)، سبک رهبری دموکراتیک، مدیریت منابع انسانی، فرهنگ سازمانی، روابط رسمی، نظام‌های اطلاعاتی، ویژگی‌های ساختاری، توجه به تولید و کنترل کیفیت و تحقیق و توسعه تشکیل شده است (موسی‌خانی، ۱۳۷۷، صص ۳۰۳-۳۰۱). گلرد (۱۳۸۴) پژوهشی با عنوان "عوامل موثر در توسعه‌ی کارآفرینی زنان ایرانی" انجام داده است. نتیجه نشان داده که نقش عوامل فردی در توسعه و موفقیت کسب‌وکار زنان ایرانی از سایر عوامل موثرتر بوده و مهم‌ترین ویژگی‌های آن‌ها توفیق‌طلبی، خلاقیت، انعطاف‌پذیری و خطرپذیری است. در بین عوامل محیطی می‌توان به وضعیت سیاسی، فرهنگی و فناورانه، دوره‌های آموزشی اشاره کرد و از جمله عوامل جمعیت‌شناختی موثر تجربه‌ی قبلی، مهارت‌های مدیریتی و تحصیلات عالیه هستند (گلرد، ۱۳۸۴، صص ۱۲۱-۱۱۹). زبردست و رستم‌زاده (۱۳۸۵) تحقیقی با عنوان "شناسایی و بررسی ویژگی‌های کارآفرینان موفق استان آذربایجان غربی" روی ۸۶ نفر از کارآفرینان موفق این استان انجام دادند. نتایج به‌دست آمده نشان داد که تصمیم‌گیری سریع، هم‌دلی خانواده، باور ذهنی به موفقیت، مشارکت، مشتری‌مداری، اراده، توفیق‌طلبی، تبادل اطلاعات با همکاران، نوآوری، ارتباط معنی‌دار تاثیر محیط بر کارآفرینی، یادگیری، پیوسته در حال تغییر، استقلال‌طلبی، داشتن برنامه‌ی کسب‌وکار از مهم‌ترین ویژگی‌های کارآفرینان موفق است (زبردست و رستم‌زاده، ۱۳۸۵، صص ۱۳۶-۱۳۵).

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی مهم‌ترین عوامل فردی و محیطی موثر بر موفقیت

کارآفرینان برتر استان تهران برای ارایه‌ی الگوی آموزشی است. منظور از کارآفرین موفق کسانی هستند که می‌توانند راهبردهای کارآفرینانه‌ی خود را طبق قابلیت‌ها و سطوح بالای اجتماعی سازگار کنند (Bou-Wen, Po-Chien & Ja- Chen, 2005, p. 21).

عوامل فردی یا شخصیتی "ساختارهایی برای تشریح ویژگی‌های رفتاری افراد هستند و به تشریح این موضوع که چرا افراد مختلف، به یک موقعیت مشابه، واکنش‌های متفاوت نشان می‌دهند، کمک می‌کنند" (David & Kerry, 2003, p. 343). مهم‌ترین مولفه‌های مورد توافق محققان درباره‌ی عوامل فردی ویژگی‌ها (توفیق‌طلبی، خطرپذیری، استقلال‌طلبی، خلاقیت مرکز کنترل، اراده)، جمعیت‌شناختی، سبک‌شناختی و مهارت‌ها را شامل می‌شود (J. Tropman & G. Morningstar, 1989؛ ترجمه احمدپور داریانی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۹). در این پژوهش عامل ویژگی‌ها بررسی می‌شود.

در ادبیات کارآفرینی محیط شامل کلیه‌ی عوامل، متغیرها و پارامترهایی است که امکان کنترل و تغییر آن‌ها توسط کارآفرین وجود ندارد. مهم‌ترین عوامل محیطی موثر در کارآفرینی (فوگل و نیاوالی، ۱۹۹۴) شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، حمایت‌های مالی و حمایت‌های غیرمالی، دانش و مهارت درباره‌ی کسب‌وکار است (موسوی بازرگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). که در این پژوهش عوامل اقتصادی، آموزشی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی بررسی می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق این پژوهش توصیفی و از نوع پیمایشی بوده و جامعه‌ی آماری در برگرفته‌ی کلیه‌ی کارآفرینان استان تهران که در سال ۱۳۸۵، در دومین جشنواره‌ی کارآفرینان برتر توسط وزارت کار و امور اجتماعی به‌عنوان کارآفرین برتر معرفی شده‌اند، است. تعداد این افراد بنا بر گزارش سازمان کار و امور اجتماعی استان تهران ۸۰ نفر بوده و حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۶۶ نفر برآورد شده است.

برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از سه پرسش‌نامه‌ی عوامل فردی، عوامل محیطی و موفقیت استفاده شده است. پرسش‌نامه‌ی عوامل فردی شامل ۶۳ سوال و شش زیرمقیاس خلاقیت، مرکز کنترل درونی، خطرپذیری حساب شده، توفیق‌طلبی و استقلال‌طلبی است (در متن آمده ۶ زیرمقیاس اما نام ۵ مقیاس عنوان شده) که توسط کردنائیج و همکاران طراحی شده است. پرسش‌نامه‌ی عوامل محیطی از ۸۶ سوال و چهار زیرمقیاس شرایط آموزشی، شرایط اقتصادی، شرایط اجتماعی- فرهنگی و شرایط سیاسی تشکیل شده که توسط سلمانی‌زاده طراحی شده و در نهایت پرسش‌نامه‌ی موفقیت شامل ۵ سوال که توسط پارکر و کازمایر تدوین شده است. مقدار پایایی به‌دست آمده به ترتیب برای پرسش‌نامه‌ی عوامل فردی ۰/۸۲، عوامل محیطی ۰/۹۴ و موفقیت ۰/۷۲ است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و استنتاج از آن‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آماراستنباطی (رگرسیون ساده، هم‌بستگی پیرسون و تحلیل واریانس یک متغیری) استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱. توصیف داده‌های مربوط به عوامل فردی و محیطی

انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین	میانگین	توصیف آماری	
			مؤلفه	بعد
۴/۲۰	۰/۵۴	۴۲/۶۴	توفیق‌طلبی	فردی
۳/۷۷	۰/۴۸	۴۰/۰۵	خطرپذیری	
۳/۱۰	۰/۴۰	۱۸/۴۶	استقلال‌طلبی	
۶/۸۴	۰/۸۸	۴۴/۲۰	اراده	
۵/۰۴	۰/۶۵	۳۸/۸۷	خلاقیت	
۵/۲۰	۰/۶۷	۳۵/۲۱	مرکز کنترل درونی	
۱۳/۲۹	۱/۷۰	۳۴/۲۳	سیاسی	محیطی
۱۵/۰۹	۱/۹۳	۴۷/۷۹	اجتماعی- فرهنگی	
۹/۳۳	۱/۲۰	۲۶/۲۳	اقتصادی	
۳۸/۰۷	۴/۸۷	۱۳۸/۱۸	آموزشی	

در میان عوامل فردی بیشترین مقدار میانگین مربوط به اراده (۴۴/۲۰) و در میان عوامل محیطی مربوط به شرایط آموزشی (۱۳۸/۱۸) است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی عوامل فردی و موفقیت

مؤلفه	توصیف آماری	موفقیت	توفیق طلبی	خطرپذیری	استقلال طلبی	اراده	اخلاقیت	مرکز کنترل
مؤلفه								
موفقیت	۱							
توفیق طلبی	*.۰/۶۰	۱						
خطرپذیری	*.۰/۵۰	*.۰/۲۷	۱					
استقلال طلبی	*.۰/۳۹	**۰/۳۳	۰/۲۲	۱				
اراده	*.۰/۴۸	**۰/۳۳	*.۰/۲۹	*.۰/۰۰	۱			
اخلاقیت	*.۰/۴۷	**۰/۳۵	*.۰/۲۵	**۰/۴۸	*.۰/۱۶	۱		
مرکز کنترل درونی	*.۰/۶۸	*.۰/۳۲	*.۰/۳۶	**۰/۷۰	*.۰/۲۲	*.۰/۷۰	۱	

* معنی داری ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۱ (توصیف‌های آماری جدول و همچنین مؤلفه‌ها یکی هستند، آیا درست است)

** معنی داری ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵

بالاترین ضریب همبستگی، مربوط به همبستگی بین موفقیت و مرکز کنترل درونی (I=۰/۶۸) در سطح معنی داری $p < ۰/۰۱$ است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی عوامل محیطی و موفقیت

مؤلفه	توصیف آماری	موفقیت	سیاسی	اجتماعی-فرهنگی	آموزشی	اقتصادی
مؤلفه						
موفقیت	۱					
سیاسی	۰/۲۱	۱				
اجتماعی-فرهنگی	**۰/۲۷	**۰/۷۲	۱			
آموزشی	**۰/۴۹	**۰/۵۷	**۰/۷۱	۱		
اقتصادی	**۰/۲۸	**۰/۷۶	**۰/۷۱	**۰/۵۵	۱	

* معنی داری ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۱

** معنی داری ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵

بالاترین ضریب همبستگی، مربوط به همبستگی بین شرایط آموزشی و موفقیت (I=۰/۴۹) در سطح معنی داری $p < ۰/۰۵$ است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون موفقیت بر حسب عوامل فردی

a	سطح معنی داری	t	β	B	متغیر ملاک	متغیر پیش بین
۹/۱۲	۰/۰۲	۲/۴۲	۰/۲۳	۰/۱۶	موفقیت	توفیق طلبی
	۰/۰۱	۲/۴۱	۰/۲۲	۰/۲۰		خطرپذیری
	۰/۰۴	۲/۰۳	۰/۲۰	۰/۲۳		استقلال طلبی
	۰/۶۸	۰/۴۰	۰/۰۴	۰/۰۲		اراده
	۰/۰۲	۲/۳۲	۰/۲۲	۰/۱۵		خلاقت
	۰/۰۰۱	۴/۲۲	۰/۵۰	۰/۳۴		مرکز کنترل درونی

در سطح $p < 0.05$ مرکز کنترل درونی ($t=4/22$)، توفیق طلبی ($t=2/42$)، خطرپذیری حساب شده ($t=2/41$)، استقلال طلبی ($t=2/03$) و خلاقت ($t=2/32$) به طور معنی داری توانایی پیش بینی موفقیت را دارند. با توجه به ضرایب رگرسیون می توان معادله ی خط پیش بینی را از طریق عوامل فردی به شرح زیر ارائه کرد:

$$Y' = a + b_1x_1 + b_2x_2 + b_3x_3 + b_4x_4 + b_5x_5$$

موفقیت = $0.34 + 9.12x_1 + 0.16x_2 + 0.23x_3 + 0.20x_4 + 0.22x_5$ (توفیق طلبی) + $0.20x_2$ (خطرپذیری حساب شده) + $0.15x_4$ (خلاقت) / 23 (استقلال طلبی) (به نظر معادله اشکال دارد من متوجه اصل معادله نشدم)

جدول ۵. ضرایب رگرسیون موفقیت بر حسب عوامل محیطی

a	سطح معنی داری	t	β	B	متغیر ملاک	متغیر پیش بین
۱۲/۴۴	۰/۴۹	-۰/۷۰	-۰/۱۳	-۰/۰۳	موفقیت	سیاسی
	۰/۳۰	-۱/۰۳	-۰/۲۱	-۰/۰۴		اقتصادی
	۰/۰۰	۳/۶۹	۰/۶۰	۰/۰۵		آموزش
	۰/۲۹	۱/۰۷	۰/۲۰	۰/۰۷		اجتماعی-فرهنگی

آموزش ($t=3/69$) به طور معنی داری توانایی پیش بینی موفقیت را دارد. با توجه به ضرایب رگرسیون می توان معادله ی خط پیش بینی را از طریق مولفه ی آموزش به شرح زیر ارائه کرد:

$$Y' = a + b_1x_1 \quad (\text{آموزش}) = 12.44 + 0.05x_1 = \text{موفقیت}$$

جدول ۶. نتایج تک گروهی برای عوامل فردی و محیطی

سطح معناداری	میانگین تجربی	میانگین نظری	درجه آزادی	t	آزمون و تحلیل آماری عوامل فردی و محیطی
۰/۰۰۱	۳/۵۵	۳	۶۰	۱۲/۳۷	توفیق طلبی
۰/۰۰۱	۳/۳۴	۳	۶۰	۸/۴۰	خطرپذیری
۰/۲۵	۳/۰۸	۳	۶۰	۱/۱۶	استقلال طلبی
۰/۰۰۱	۳/۶۸	۳	۶۰	۹/۳۵	اراده
۰/۰۰۱	۳/۲۴	۳	۶۰	۴/۴۴	خلاقیت
۰/۰۰۱	۳/۹۱	۳	۶۰	۱۲/۳۵	مرکز کنترل درونی
۰/۳۰	۲/۸۵	۳	۶۰	-۱/۰۴	سیاسی
۰/۰۰۱	۰/۲۵	۳	۶۰	-۴۲۸/۸۰	اقتصادی
۰/۲۳	۲/۸۸	۳	۶۰	-۱/۱۹	آموزش
۰/۱۰	۲/۸۱	۳	۶۰	-۱/۶۶	اجتماعی - فرهنگی

مولفه‌های مرکز کنترل درونی ($t=۱۲/۳۵$)، توفیق طلبی ($t=۱۲/۳۷$)، خلاقیت ($t=۴/۴۴$)، خطرپذیری حساب شده ($t=۸/۴۰$) و اراده ($t=۹/۳۵$) میانگین نظری با میانگین تجربی در سطح $p < ۰/۰۱$ تفاوت معناداری دارد، به گونه‌ای که میانگین تجربی از میانگین نظری بالاتر است. مولفه‌ی شرایط اقتصادی ($t=-۴۲۸/۸۰$) میانگین نظری با میانگین تجربی در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ تفاوت معناداری دارد و میانگین تجربی کم‌تر از میانگین نظری است.

بحث و نتیجه

بیش‌ترین ضریب هم‌بستگی در مورد عوامل فردی مربوط به مولفه‌ی مرکز درونی با موفقیت و در مورد عوامل محیطی مربوط به شرایط آموزشی با موفقیت بوده و بین شرایط سیاسی با موفقیت رابطه‌ای وجود ندارد. نتایج بیان‌گر این است که مرکز کنترل درونی پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی‌تری نسبت به بقیه بوده و یافته‌های پژوهش نشان داد که مولفه‌ی شرایط آموزشی توانایی پیش‌بینی موفقیت را دارد. بین میانگین نظری و میانگین تجربی مولفه‌های مرکز کنترل درونی، اراده، توفیق طلبی، خطرپذیری حساب شده و

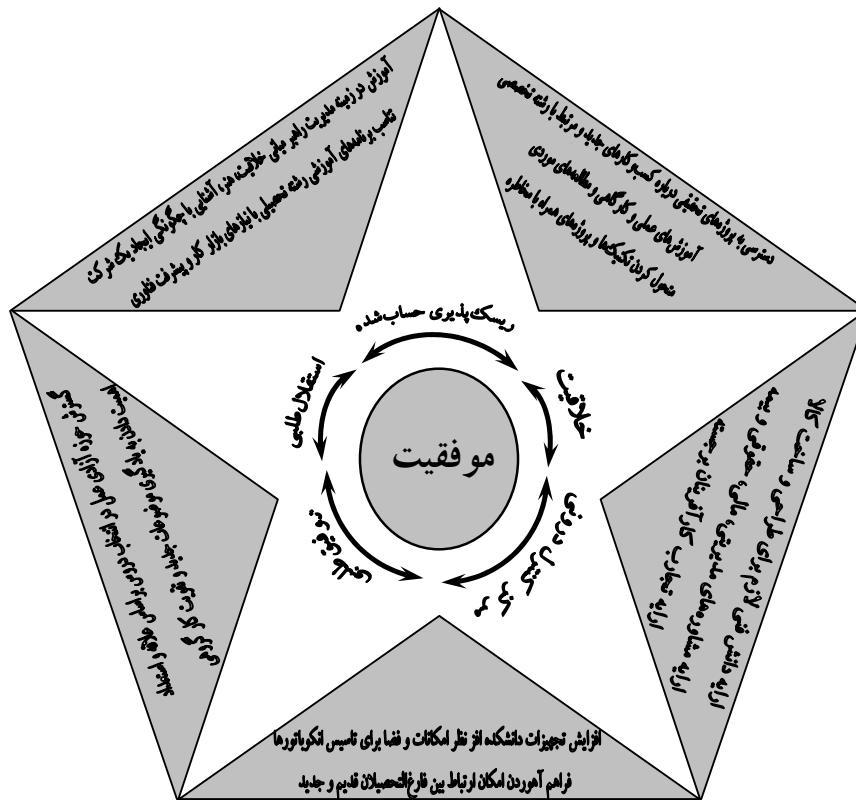
خلاقیت تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین تجربی در این مولفه‌ها بالاتر از میانگین نظری است، در واقع این افراد این ویژگی‌ها را در سطحی بالاتر از میانگین نظری دارا هستند. بیشترین مقدار میانگین تجربی مربوط به مرکز کنترل درونی است. تنها در مولفه‌ی شرایط اقتصادی بین میانگین نظری و میانگین تجربی تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین تجربی پایین‌تر از میانگین نظری است. در واقع از نظر این افراد شرایط اقتصادی تأثیری بر موفقیت این افراد نداشته و تأثیر سایر مولفه‌ها نیز چشم‌گیر نبوده است.

با استناد به نظریه‌ی جولیان روتر (۱۹۶۶)، افرادی که دارای مرکز کنترل درونی هستند برای مهارت‌ها و توانایی‌های خود ارزش قایل بوده و رویدادهای مثبت زندگی را نتیجه‌ی نقشه‌ریزی دقیق و کوشش پی‌گیر خود می‌دانند، از این‌رو این‌گونه افراد چون بر این باورند که تلاش تأثیر زیادی بر موفقیت آن‌ها خواهد گذاشت، پس در این مسیر از هرگونه سعی و کوششی دریغ نمی‌ورزند. در همین رابطه با توجه به نظریه‌ی اسناد واینر (۱۹۷۰) (۱۹۸۰) می‌توان مطرح کرد که طرز تفکر افراد درباره‌ی علت موفقیت و شکست تعیین‌کننده‌ی اصلی توفیق‌طلبی آن‌ها محسوب می‌شود. اغلب افرادی که دارای مرکز کنترل درونی هستند با توجه به پشتکار و توانایی‌هایی که در خود سراغ دارند در جست‌وجوی عملکرد بالاتری هستند. در نظریه‌ی توفیق‌طلبی مک‌کلند نیز اشاره شده است کسانی که اغلب در فکر پیشی گرفتن از دیگران هستند افراد موفق هستند، زیرا توفیق‌طلبی بر برتری‌جویی، رقابت، چالش کردن و غلبه بر مشکلات تمرکز دارد. با توجه به نظر استاین (۱۹۷۴) یکی از ویژگی‌های افراد خلاق، توفیق‌طلبی سطح بالای آن‌هاست. افراد خلاق به علت داشتن تفکر واگرا به‌دنبال این نیستند که تنها با جمع‌آوری اطلاعات مسایل را با شیوه‌های از پیش طراحی شده حل کنند بلکه سعی می‌کنند با به‌کار بردن روش‌های جدید و غیرمعمول و در عین حال ارزش‌مند به نوعی دست به آفرینندگی و نوآوری بزنند که همین امر سبب موفقیت آن‌ها می‌شود. به اعتقاد تورنس (۱۹۹۸) ویژگی‌هایی مانند خطرپذیری حساب شده سبب آسان‌سازی خلاقیت می‌شود. شاید دلیل این امر را بتوان این‌گونه بیان کرد که فرد به‌هنگام برخورد با

موقعیت‌های دشوار، خطرناک و ناآشنا که هیچ راه‌حل از پیش آموخته و تمرین کرده‌ای ندارد، به درجه‌ای از آفرینندگی نیازمند است و هرچه این امر بیش‌تر تکرار شود، این قدرت نیز در فرد قوی‌تر خواهد شد. خطرپذیری حساب‌شده ناشی از اعتماد به نفس بالا بوده و اصولاً پرهیزکنندگان از شکست، شکست را نشانه‌ی ناتوانی خود قلمداد می‌کنند، در صورتی که افراد موفق شکست اولیه‌ی خود را به نبودن کوشش نسبت می‌دهند، در نتیجه پشتکار آن‌ها برای ادامه‌ی کار افزایش می‌یابد، زیرا معتقدند که کوشش بیش‌تر در نهایت به موفقیت خواهد انجامید. استقلال‌طلبی نیز یک نیروی انگیزشی است و فرد موفق از آن‌جا که احساس می‌کند شخصا بر سرنوشت خود احاطه دارد خواهان آزادی عمل بیش‌تری است. در بعد عوامل محیطی می‌توان گفت هرچند شرایط آموزشی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی با موفقیت رابطه‌ی مثبت و معناداری دارند اما از بین این عوامل فقط شرایط آموزشی توانایی پیش‌بینی موفقیت را دارد، در واقع با بررسی ادبیات کارآفرینی می‌توان دلیل این امر را در ماهیت آموزش و تفاوت آن با سایر عوامل محیطی یافت، چرا که آموزش نه تنها به‌عنوان یک عامل محیطی بر رشد، توسعه و به‌ویژه فرهنگ‌سازی کارآفرینی تاثیرگذار است، بلکه در ایجاد و پرورش عوامل فردی در این زمینه نیز تاثیر چشم‌گیری دارد. شرایط آموزشی نظیر متناسب بودن برنامه‌های آموزشی هر رشته‌ی تحصیلی با نیازهای بازار کار، ارایه‌ی دانش فنی لازم برای طراحی کالا، ساخت و تولید، تجهیز کردن دانشکده‌ها از نظر امکانات به‌منظور ایجاد انکوباتورها، ایجاد ارتباط بین فارغ‌التحصیلان قدیم و جدید برای بهره‌گیری از تجارب آن‌ها، آشنایی با پروژه‌های تحقیقاتی برای انجام و ایجاد کسب‌وکارهای جدید مرتبط با تخصص خود، تسهیل آشنایی و ارتباط با سازمان‌های تخصصی برای دریافت مشاوره، گذراندن دروس مرتبط با کارآفرینی، استفاده از روش‌های آموزشی گوناگون برای ارایه‌ی دروس مرتبط با موفقیت کارآفرینان تاثیرگذار خواهد بود.

به‌طور کلی می‌توان گفت هر چند عوامل فردی پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی‌تری برای موفقیت هستند، اما آن‌چه مسلم است این که وجود عوامل فردی بدون فراهم بودن شرایط محیطی موفقیت را به همراه نخواهد داشت و هرچه شناخت و آگاهی فرد و جامعه از این

عوامل بیش‌تر باشد طی کردن این مسیر هموارتر و سریع‌تر خواهد شد. از این‌رو الگوی زیر با توجه به نتایج به‌دست آمده و به‌منظور ارایه‌ی چارچوبی در این زمینه ارایه می‌شود.



نمودار ۱. الگوی مفهومی عوامل فردی و محیطی مؤثر بر موفقیت کارآفرینان برتر

پیشنهادها

براساس نتایج به‌دست آمده و به‌منظور اشاعه و تقویت فرهنگ کارآفرینی، ایجاد بستر مناسب برای بروز خلاقیت و نوآوری در جامعه و بهره‌گیری از استعدادها و توانایی‌های کارآفرینان و به‌ویژه کارآفرینان موفق راه‌کارها و تدابیر زیر پیشنهاد می‌شود:

- ◀ با توجه به پیش‌بینی ویژگی‌های تاثیرگذار بر موفقیت کارآفرینان برتر شایسته است که نظام آموزشی نسبت به ایجاد و تقویت این ویژگی‌ها در افراد جامعه به‌ویژه از سنین پایین اقدام کند.
- ◀ با توجه به پیش‌بینی عوامل محیطی موثر بر موفقیت کارآفرینان برتر، دولت با سیاست‌گذاری‌ها و پشتیبانی‌های اجرایی خود شایسته است این شرایط را برای توسعه‌ی کارآفرینی فراهم کند.
- ◀ از آن‌جا که شناسایی و تجلیل از افراد کارآفرین سبب ترویج و توسعه‌ی فرهنگ خلاقیت، نوآوری، کارآفرینی و تشویق حامیان کارآفرینی به مشارکت و سرمایه‌گذاری در اجرای طرح‌های کارآفرینانه می‌شود، به‌جا خواهد بود که جشنواره‌های کارآفرینی با هدف معرفی کارآفرینان برتر توسعه یابد.
- ◀ دعوت از کارآفرینان موفق در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، تا دیگران نیز بتوانند از نزدیک از تجارب و روش‌های ارزش‌مند آن‌ها بهره‌مند شوند.

منابع

۱. احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۱). کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها، چاپ چهارم، تهران: شرکت پردیس ۵۷.
۲. احمدپور داریانی، محمود (۱۳۷۷). طراحی و تبیین الگوی پرورش مدیران کارآفرین در صنعت. رساله‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. بازرگانی، جلال موسوی (۱۳۸۶). مولفه‌های کارآفرینی، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۴. جک، واندرسون (۱۹۹۹). آموزش کارآفرینی در فرهنگ کسب‌وکار برای تربیت متخصصان متفکر. ترجمان کارآفرینی / فصلنامه‌ی تخصصی مرکز کارآفرینی پردیس قم دانشگاه تهران / شماره دوم / تابستان ۱۳۸۴، صص ۲۶، ۲۸ و ۳۱.
۵. زبردست، علی و رستم زاده، امین (۱۳۸۵). شناسایی و بررسی ویژگی‌های کارآفرینان موفق استان آذربایجان غربی. (به نظر ناقص است)
۶. سعیدی کیا، مهدی (۱۳۸۲) آشنایی با کارآفرینی. تهران: سپاس. چاپ اول.
۷. گلرد، پروانه (۱۳۸۴) عوامل موثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی.
۸. مقیمی، سیدمحمد (۱۳۸۰) سازمان و مدیریت، رویکردی پژوهشی؛ تهران: ترمه.
۹. موسی خانی، مرتضی (۱۳۷۷) تبیین الگوی مدیریت موفق در شرکت‌های صنعتی ایران. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
10. Bou-Wen, Lin and Po-Chien, Li and Ja-Shen, Chen (2005). Social capital, capabilities, and entrepreneurial strategies: a study of Taiwanese high-tech new ventures.
11. Brockhaus, R (1982). Risk Taking Propensity of Entrepreneurs. Academy of Management Journal, 239-520.
12. Bruno, A. V., Tyebjee, T.T. (1982). The environment for entrepreneurship. In Kent, c., Sexton, D., Vesper, K. (eds) The Encyclopedial of Entreoreneurship. Englewood cliffs, NJ.
13. Candida G. Brush (2007). Pioneering strategies for entrepreneurial success.
14. David J. Liewellyn, Kerry M. Wilson (2003), "He controversial role of personality traits in entrepreneurial psychology", Education+ Training,

- volume45, number 6, pp. 341-45.
15. Einar A. Rasmussen, Roger Sorheim (2005). Action-based entrepreneurship education.
 16. Elisa G. Carayannis, Dan Evans & Mike Hanson (2002). A cross-cultural learning strategy for entrepreneurship education: outline of key concepts and lessons learned from a comparative study of entrepreneurship students in france and the US.
 17. Gideon D. Markman, Robert A. Baron (2003), Person-entrepreneurship fit: Why some people are more successful entrepreneurs than others.
 18. Giseung Kim (2006), The analysis of self-employment levels over the life-cycle.
 19. Gul E. Okudan, Sarah E. Rzasa (2004), A project-based approach to entrepreneurial leadership education.
 20. Hannu Littunen (2000), Entrepreneurship and the characteristics of entrepreneurial personality, International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research, Volume 6 Number 6, pp 295-310.
 21. McClelland, D. (1987), Characteristics of successful entrepreneur, The Journal of Creative Behavior, vol. 21 No3.
 22. Mintzberg, H., Waters, J. (1982). Tracking strategies in and entrepreneurial firm, Academy of management Journal.
 23. Sarah L. Jack. Alistair R. Anderson (1999), Entrepreneurship education within the enterprise culture producing reflective practitioners, International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research, Volume 5. number 3. pp 110-125.
 24. Sternberg, Robert J. (2004), Successful intelligence as a basis for entrepreneurship. Journal of Business Venturing 19, 189-201.
 25. Vangelis Souitaris, Stefania Zerbinati & Andreas Al-Laham (2006). Do entrepreneurship programmes raise entrepreneurial intention of science and engineering students, The effect of learning, inspiration resources.

